جنگ پس از فتح خرمشهر؟

فتح خرمشهر به عنوان یك حادثه تاریخی و سرنوشت‌ساز، پایان‌بخش دوره اول جنگ است كه با تجاوز عراق به ایران در تاریخ 31 شهریور سال 1359 آغاز شد و با آزادسازی مناطق اشغالی به پایان رسید. ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت شش سال و تحولاتی كه در این مرحله از جنگ صورت گرفت، به ویژه نحوه پایان جنگ، پرسش از علت ادامه جنگ را به یك پرسش بنیادین تبدیل كرده است. در این زمینه ملاحظاتی وجود دارد كه باید مورد توجه قرار گیرد:

1- تصمیم‌گیری برای پایان دادن یا ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر با نظر اجماع نخبگان و مسئولان سیاسی ـ نظامی كشور و در حضور امام راحل و پس از برگزاری جلسات متعدد، اتخاذ شد.
شرایط تصمیم‌گیری، ناظر بر این معنا بود كه قوای نظامی ایران با آزادسازی مناطق اشغالی، ماهیت جنگ تجاوزكارانه و فرسایشی را با كسب برتری سیاسی ـ نظامی تغییر داده‌اند و در چنین وضعیتی به زعم آمریكا و غرب، ارائه هرگونه امتیاز به ایران به معنای به رسمیت شناختن برتری نظامِ برآمده از انقلاب اسلامی و با منافع غرب در تضاد است. بنابراین، اجتناب از ارائه هرگونه امتیاز به ایران، یك سیاست كلی و مورد توافق بود كه از سوی آمریكا و غرب دنبال می‌شد. بر پایه همین ملاحظه با تعریف برتری ایران به عنوان تهدید منافع آمریكا و غرب، مهار این برتری هدف سیاست‌های جدید منطقه‌ای آمریكا قرار گرفت.

2- راه‌حل‌های پیشنهادی برای پایان دادن به جنگ در این مرحله، عموما از سوی برخی كشورهای منطقه، از جمله عربستان مطرح شد كه بیشتر ناظر بر تشكیل صندوق مشترك برای پرداخت خسارت به ایران و عراق بود. به این ترتیب كه كشورهای منطقه با تشكیل صندوقی مشترك، مبالغی را به صندوق واریز كنند و تدریجا برای بازسازی ایران و عراق پرداخت شود. در این زمینه، صحبت از مبلغ 25 میلیارد دلار تا 50 میلیارد دلار مطرح شد؛ اما به دلیل اینكه راه‌حل متناسب با شرایط برتری ایران نبود و سایر خواسته‌های ایران مانند محكوم كردن متجاوز، عقب‌نشینی كامل از خاك ایران، مورد توجه قرار نگرفته بود، زمینه انجام مذاكرات فراهم نشد، در نتیجه رقم قطعی مشخص نیست.

3- فاصله زمانی تصمیم‌گیری ایران پس از فتح خرمشهر تا انجام عملیات رمضان با وقوع برخی رخدادهایی همراه شد كه نقش مهمی در شكل‌گیری ادامه جنگ داشت. در حالی كه در سوم خرداد سال 1361 خرمشهر فتح شد و در تاریخ 14 خرداد، اسرائیل به جنوب لبنان حمله كرد، تصور اولیه در ایران، ناظر بر این معنا بود كه نگرانی از پیروزی ایران منجر به گشایش جبهه جدید شده است. واكنش سیاسی ـ نظامی ایران با اعزام هیأت دیپلماتیك در تاریخ 17 خرداد و سپس اعزام برخی از نیروهای نظامی و اعلام آمادگی برای جنگ در دو جبهه، متأثر از همین ملاحظات بود.
در تاریخ 20 خرداد، عراق آمادگی برای عقب‌نشینی یكجانبه را اعلام و در تاریخ 30 تیر آن را اجرا كرد. در این مرحله 5 هزار كیلومتر از خاك ایران، همچنان در اشغال ارتش عراق بود كه در عقب‌نشینی تنها 2500 كیلومتر از آن تخلیه شد و مناطق حساس مانند ارتفاعات استراتژیك و شهر نفت‌شهر در اشغال نیروهای عراقی باقی ماند.
ملاحظات سیاسی ـ نظامی جدید سبب شد، امام (ره) با احساس نگرانی از ماهیت سیاست‌های جدید آمریكا و اسرائیل و عراق، روند اعزام نیرو به لبنان را متوقف و دستور بازگشت نیروها را صادر كردند.
در چنین فضایی، قطعنامه 522 در تاریخ 22 تیر ماه از سوی سازمان ملل صادر شد كه هیچ‌كدام از درخواست‌های ایران مورد توجه قرار نگرفته بود و همچنان از جنگ به عنوان وضعیت میان دو كشور نام برده می‌شد!
مجموعه رخدادهای سیاسی ـ‌ نظامی در سطح منطقه، مواضع جدید آمریكا، ماهیت قطعنامه جدید سازمان ملل، تماما نگرانی ایران را ـ مبنی بر اینكه كلیه تلاش‌ها و سیاست‌ها برای مهار و برتری ایران سازماندهی شده است ـ تشدید كرد و در نتیجه، تصمیم‌گیری اولیه پس از فتح خرمشهر، با آغاز عملیات رمضان در تاریخ 23 تیر ماه سال 1361 و با هدف تأمین صلح شرافتمندانه و تنبیه متجاوز به اجرا گذاشته شد.

4- نقد و بررسی تصمیم‌گیری برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و طرح پرسش در این زمینه، برای نخستین بار از سوی نهضت آزادی مطرح شد. مسئله قابل توجه در این زمینه، این است كه انتقاد نهضت آزادی نزدیك به یك سال پس از تصمیم‌گیری و اجرای آن و با مشاهده نتایج این تصمیم‌گیری، اعلام شد. حال آنكه اگر نهضت در این زمینه دیدگاه و موضعی داشت،‌ برای تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری‌ها باید همانند حزب توده كه در همان موقع، اقدام به موضع‌گیری كرد، با صدور بیانیه، مواضع خود را رسما اعلام می‌كرد.
فارغ از این ملاحظه، نقدهای ناظر بر تصمیم‌گیری برای ادامه جنگ، اصولا بر اساس نتیجه و بدون توجه به شرایط طرح می‌شود، حال آنكه جدا كردن یك تصمیم از شرایط و بستر تاریخی آن، مانع از فهم ضرورت‌ها و دلایل این تصمیم‌گیری خواهد شد.
گزینه‌های موجود برای تصمیم‌گیری ایران، به گونه‌ای بود كه اگر برای توقف جنگ تصمیم‌گیری می‌شد، امتیاز قابل ملاحظه‌ای به ایران واگذار نمی‌شد و هیچ تناسبی با شرایط برتری ایران نداشت و احتمالا زمینه درگیری مجدد ایران و عراق نیز فراهم می‌شد. امروز همان تصمیم‌گیری با طرح این پرسش روبروست كه چرا ایران این‌گونه جنگ را پایان داد؟ و حال آنكه، در آن هنگام از موضع برتر برخوردار بود و دشمن دچار شكست شده بود؟
این توضیح ناظر به این معناست كه پیچیدگی‌های حاكم بر شرایط تصمیم‌گیری پس از فتح خرمشهر، به گونه‌ای بوده است كه هرگونه تصمیم‌گیری با توجه به پیامدهای آن می‌توانست، پرسش‌زا باشد و تنها تفاوت در نوع پرسش‌هاست، نه اصل آن.
مركز پژوهش‌های اجتماعی نخست‌وزیری در خرداد سال 1361، طی یك نظرسنجی از عده‌ای با شرایط سنی، تحصیلی و جنسیت متفاوت، «نظرات مردم در مورد ادامه جنگ و ورود به خاك عراق» را مورد بررسی قرار داده است. در این نظرسنجی، «نظر مردم در مورد ادامه جنگ»، وارد شدن به خاك عراق در صورتی كه عراق شرایط ما را نپذیرد و دلایل عدم ورود به خاك عراق، مورد توجه قرار گرفته است.
در پاسخ به این پرسش كه جنگ را تا كجا ادامه باید داد، خروج عراق از خاك ایران با 7/30 درصد و سقوط صدام با 5/28 درصد، بیشترین آرا را كسب كرده است. دیگر گزینه‌ها همچون گرفتن خسارت 4/12 درصد و صلح تنها 2 درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی كه پاسخ «نمی‌دانم»، 4 درصد بوده است.
در پاسخ به این پرسش كه اگر عراق شرایط ما را نپذیرد، آیا صلاح می‌دانید وارد خاك عراق شویم، بر حسب جنسیت پاسخ مثبت، 1/70 درصد، پاسخ منفی 1/15 درصد و نمی‌دانم 2/9 درصد و بر حسب سن، پاسخ مثبت 76/9، پاسخ منفی 7/7 و نمی‌دانم 4/15 درصد است. بر حسب میزان سواد پاسخگویان، پاسخ مثبت 4/48، پاسخ منفی 2/32 و پاسخ نمی‌دانم 5/6 درصد است.
درصد پاسخ‌ها به تناسب مناطق بیستگانه تهران متفاوت است. چنانكه پاسخ كسانی كه یكی از بستگان آنها در جبهه بوده است، در مورد ورود به خاك عراق، 3/58 درصد مثبت و 20 درصد منفی و 20 درصد نمی‌دانم می‌باشد.
این نظرسنجی، فارغ از اینكه تا چه میزان می‌تواند از نظر علمی اعتبار داشته باشد، بیانگر بخشی از واقعیت اجتماعی و افكار عمومی نسبت به مسئله جنگ و تصمیم‌گیری در مورد پایان یا ادامه آن و در میان اقشار مختلف با موقعیت‌ها و شرایط متفاوت است كه با میانگین 70 درصد با آنچه پس از فتح خرمشهر واقع شد، موافقت خود را بر ادامه جنگ اعلام كرده‌اند.

نویسنده: محمد درودیان

منبع: سایت بازتاب به نقل از فصلنامه مطالعات تاریخی 13/10/1383